

# پدیدهٔ کودکان خیابانی در تهران

دکتر مصطفی اقلیما\*

## چکیده

هدف: پدیدهٔ کودکان خیابانی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که امروزه مددکاری اجتماعی و دیگر رشته‌های علوم اجتماعی در ایران به آن می‌پردازند. این پدیده برخاسته از عوامل گوناگون است و در چند گروه بررسی می‌شود. در این پژوهش کودکان خیابانی در پنج دسته یعنی (کسانی که اشتغال در کارهای کاذب دارند، کسانی که اشتغال به کارهای واقعی دارند، کودکان خیابانی بزهکار، گدایان، و خیابانگردان) مورد بررسی قرار می‌گیرند و به عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر این پدیده پرداخته می‌شود. روش: در این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای به کار گرفته شده و پژوهش ۵۰۰ کودک خیابانی در تهران را در برمی‌گیرد.

نتایج: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش آمار توصیفی و آمار استنباطی (کایسکوئر) به کار رفته است. نتایج به دست آمده نشانگر آثار طبقهٔ اجتماعی و آشفته‌گی‌های خانوادگی در بروز این پدیده است. همچنین شیوه‌های تربیتی و رفتاری پدر و مادر نیز در بروز این پدیده مؤثر است.

## پیشگفتار

جهان بر این باورند که پدیدهٔ کودکان خیابانی بزرگترین مشکل در سدهٔ ۲۱ خواهد بود. بروز و گسترش پدیدهٔ کودکان خیابانی معلولی از عوامل گوناگون و درهم پیچیدهٔ اجتماعی-اقتصادی است که اگر چنانکه باید و شاید بررسی نشود و راهکارهای مؤثر برای از میان برداشتن آن ارائه نگردد، می‌تواند پیامدهای زیان‌بخش و جبران‌نشدنی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، خانوادگی و انسانی برای جامعه داشته باشد. این پدیده

بی‌گمان نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم را می‌توان دوران کودکان خواند. کمابیش در سراسر جهان بویژه در کشورهای که به توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی متنوع‌تری دست یافته‌اند، بخش بزرگی از منابع مادی و معنوی برای حل مسائل کودکان و حمایت‌های روانی و جسمی از آنان به کار می‌رود. اما واقعیت این است که بسیاری از کارشناسان و دولتهای

\* عضو هیأت علمی دانشگاه - رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران و بازرس مجمع انجمنهای علمی گروه پزشکی

**کودکان خیابان: Children of the Street**

این کودکان گروه کوچکتري از کودکان خیابانی اند که گرفتاریهای پیچیده تری دارند. برای این کودکان، خیابان همچون خانه است، در خیابان در پی سرپناه و خوراکنده و دیگر افراد خیابانی برای آنان جای خانواده را می گیرند. این کودکان یا سرپرستی ندارند یا در صورت داشتن خانواده به علت های گوناگون زندگی در خیابان را امن تر از زندگی در خانه می یابند. کودکان رها یا طرد شده و کودکان فراری نیز گاه بعنوان گروهی جداگانه مطرح می شوند اما چون در بسیاری از موارد راه بازگشتی ندارند و در مدتی کوتاه به کودکان خیابانی تبدیل می شوند، در برخی دسته بندی ها در گروه کودکان خیابان جا داده می شوند.<sup>۱</sup>

در ایران کودکان خیابانی به دو گروه کلی ساکن و مهاجر تقسیم می شوند: بیش از ۶۵ درصد از کودکان خیابانی تهران را مهاجران تشکیل می دهند. دسته بندی کودکان خیابانی از لحاظ گذران زندگی به شرح زیر است:

- کارگران خیابانی دارای مشاغل واقعی
- کارگران خیابانی دارای مشاغل کاذب
- ولگردان باج گیر و تکدی گر
- گدایان

همه این کودکان در يك نگاه کلی در آستانه آسیب پذیری و رفتارهای ضد اجتماعی قرار دارند و بیشتر به ورطه بزهکاری می افتند. بسیاری از آنان برخی آسیبها را تجربه کرده اند و به علت ارتکاب کارهای مجرمانه با پلیس و دیگر نیروهای نظارتی درگیر و سرانجام راهی زندان یا کانون اصلاح و تربیت شده اند. در پژوهشهای گوناگونی که در ایران انجام گرفته سه دسته عمده به شرح زیر برای کودکان خیابان در نظر گرفته شده است:

- کودکانی که در خیابان زندگی می کنند، از خانواده جدایند و شها در خیابان به سر می برند.
- کودکانی که در خیابان کار می کنند و امکان دسترسی به خانواده برای آنان وجود ندارد.
- کودکانی که با خانواده خود در خیابان به سر می برند و کار یا گدایی می کنند.
- بیشتر کودکان خیابانی نه بی خانمانند، نه بزهکار؛ بیشتر آنان کار می کنند بی آنکه از پشتیبانی لازم

بعنوان معضلی اجتماعی که هم خود مصداق آسیب اجتماعی است و هم زمینه ساز افزایش و گسترش آسیبهای اجتماعی، در جوامع امروز مطرح است.

کودکان خیابانی کودکانی هستند که از طبیعی ترین حقوق خود بی بهره اند. رابرت بیلز می نویسد: کودکان خیابانی بخشی از انبوه کودکانی هستند که با فقر جانکاه دست به گریبانند. آنان در سراسر جهان در معرض آسیب قرار دارند و حقوقشان پایمال می شود. هیچکس به درستی شمار کودکان خیابانی را نمی داند. در ایران نیز آمارهایی دقیق از کودکان خیابانی در دست نیست، زیرا مسائل فرهنگی و همچنین کوچ این کودکان به نقاط گرمسیر یا سردسیر، سرشماری آنان را دشوار کرده است. اما شمار آنان کمابیش از ششصد هزار تا يك میلیون تن برآورد شده است.

کودک خیابانی از سوی سازمانها و نهادهای ذیربط به گونه هایی چند تعریف شده است. دو ویژگی برجسته که در تعریف کودکان خیابانی بر آنها انگشت گذاشته می شود گدایی و ولگردی است؛ که هر دو پیشینه ای به درازای تاریخ شهرنشینی دارد. برای نخستین بار دکتر ژان شارال در ۱۹۴۹، در سخنرانی خود با عنوان «دسته های ضد اجتماعی کودکان و بازگشت آنها به محیط جامعه»، اصطلاح «کودک کوچه» را به کار گرفت. وی بر این باور بود که کودک، کوچه را به سبب تنگناهای خانوادگی و شرایط بد اقتصادی برمی گریند.

یونیسف در ۱۳۷۷ کودکان خیابانی را چنین تعریف کرد: «همه کودکانی که به سبب کمبود یا نبود نظارت پدر و مادر، دلبستگی به تحصیل و گذراندن اوقات در منزل ندارند و ناگزیر در خیابانها کار و زندگی می کنند». برپایه تعریف یونیسف، این کودکان بیشتر وقت خود را در خیابان می گذرانند.

یونیسف، در ۱۳۸۱ برپایه تعریفی دیگر، این کودکان را به دو گروه زیر بخش کرده است:

**کودکان خیابانی: Children on the Street**

این کودکان در واقع کودکانی هستند که در پی درآمد برای خانواده، در خیابان کار می کنند. میزان ارتباط این کودکان با خانواده متفاوت است و ممکن است این ارتباط روزانه یا حتی چند بار در سال باشد؛ اما به هر روی احساس وابستگی به خانواده در این کودکان وجود دارد.

کارگران خیابان، خیابانگردان، گدایان و بزهکاران پرداخته شده است. در این راستا شاخصهایی مانند: سن، وضع اجتماعی-اقتصادی خانواده، طبقه اجتماعی خانواده و آسیبهای اجتماعی، وضع محل سکونت بررسی و ۴ گروه بایکدیگر سنجیده شده‌اند.

جامعه آماری: همه کودکان خیابانی زیر ۱۸ سال در تهران جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند که دربرگیرنده کودکان کار، ولگرد، گدا و بزهکار است.

نمونه و روش نمونه گیری: نمونه گیری باریوش نمونه گیری خوشه‌ای انجام گرفته است، بدین سان که تهران به ۴ منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب بخش شده و از هر منطقه ۲ پارک که محل گرد آمدن کودکان است در نظر گرفته شده و همچنین ۴ چهارراه اصلی از هر منطقه و از هر منطقه ۲ میدان اصلی انتخاب شده است. بر سر هم ۸ پارک، ۱۶ چهارراه اصلی و ۸ میدان اصلی شهر در نظر گرفته شده است. این مکانها کارگران خیابانی، ولگردان و گدایان را پوشش می‌دهد که از هر گروه ۱۰۰ تن به گونه تصادفی از خوشه‌های مورد نظر برگزیده شده‌اند.

برای بررسی عوامل یادشده در مورد کودکان خیابانی بزهکار به کانون اصلاح و تربیت مراجعه شده و از میان پرونده‌های موجود ۱۰۰ کودک به گونه تصادفی برگزیده شده‌اند و بررسی لازم درباره آنان انجام گرفته است.

#### ابزار پژوهش

ابزار پژوهش در این بررسی مصاحبه و پرسشنامه بوده

برخوردار باشند و در معرض خطرها و بهره‌کشی‌های گوناگون قرار دارند. این کودکان فرصتهایی بس اندک برای رشد و تکامل عاطفی-اجتماعی، آموزشی و اقتصادی دارند. کودکان خیابانی از هرگونه حمایت قانونی بی‌بهره‌اند. ارتباط محدود با خانواده یا بریده شدن همیشگی این ارتباط، از آنان بزه‌دیدگانی بالقوه می‌سازد و در بیشتر موارد قربانی جرایم خیابانی می‌شوند. آسیبها در این زمینه عبارت است از:

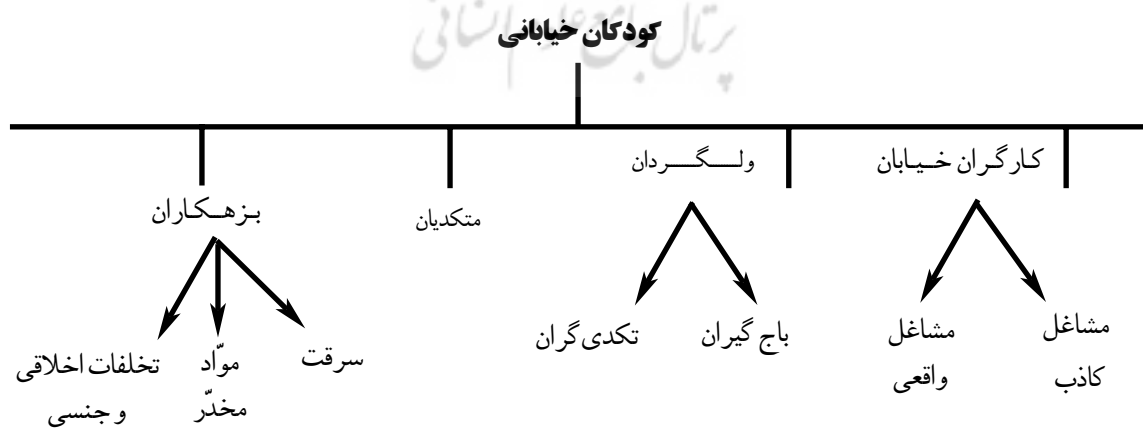
- ۱- خشونت خیابانی، ۲- بازداشت‌های غیرقانونی، ۳- پرخاشگری جنسی، ۴- بهره‌کشی جنسی، ۵- بزه‌دیدگی به علت بهره‌کشی باندها، ۶- قاچاق و پیوند غیرقانونی اعضا، ۷- وابستگی به مواد مخدر.

در بررسی عوامل مؤثر در بروز و گسترش پدیده کودکان خیابانی باید به دو دسته عوامل بیرونی و درونی اشاره کرد. منظور از عوامل درونی عوامل زیستی و روانشناختی است و در بحث عوامل بیرونی به عوامل خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته می‌شود.

در این نوشتار تلاش شده است با در نظر گرفتن کودکان خیابانی بعنوان معلولی از عوامل گوناگون، برجسته‌ترین عوامل شناسایی و راهکارهای مؤثر برای کمرنگ کردن این پدیده معرفی شود.

#### روش

این پژوهش از دید روش‌شناسی، از گونه پژوهش زمینه‌یابی و پیمایشی است. در پژوهش حاضر به بررسی علت‌های بروز پدیده کودکان خیابانی در میان ۴ گروه یعنی



است که در روند کار پس از شناسایی کودکان و ایجاد ارتباط با آنان، مصاحبه جهت دار در چارچوب پرسشهای باز و بسته در پرسشنامه انجام گرفته است.

### روش آماری

در روش آماری از شیوه‌های آمار توصیفی که دربرگیرنده جدولهای توزیع فراوانی و درصد فراوانی است بهره گرفته شده و همچنین شیوه آمار استنباطی برای سنجش شاخصهای مورد نظر میان ۴ گروه به کار رفته است.

### نتایج

در بررسی عوامل مؤثر در بروز پدیده کودک خیابانی نتایج زیر به دست آمده است:

۶۸ درصد از کودکان خیابانی با اعضای خانواده خود ارتباط دارند و ۳۴ درصد بی ارتباط با خانواده‌اند. ۷۲ درصد از کودکان خیابانی بی ارتباط با خانواده، بزهدارند. آزمون  $X^2$  تفاوت معناداری را در این گروه نسبت به ۳ گروه دیگر نشان می‌دهد و با احتمال ۹۵ درصد تفاوتی معنادار میان کودکان بزهدار با سه گروه دیگر در شاخص ارتباط با خانواده وجود دارد.

۷۳ درصد از خانواده‌های کودکان خیابانی پیشینه محکومیت ندارند و تنها ۳۰ درصد سابقه‌دار هستند. ۵۳ درصد از خانواده‌های کودکان بزهدار پیشینه محکومیت داشته‌اند که با احتمال ۹۵ درصد در آزمون  $X^2$  تفاوت معناداری میان پیشینه محکومیت خانواده این گروه با گروههای دیگر به چشم می‌خورد.

۷۵ درصد از کودکان خیابانی برای گذران زندگی و تأمین هزینه‌های خانواده به کاری مشغولند. ۷۳ درصد از آنان مهارتهای گوناگون و البته کاذب دارند، و ۲۷ درصد از مهارتهای لازم اولیه بی بهره‌اند. از میان کسانی که مهارتهای لازم را ندارند ۶۹ درصد کودکان بزهدار هستند که با احتمال ۹۵ درصد در آزمون  $X^2$  تفاوت معناداری میان آنان و دیگر گروهها در زمینه مهارتهای کاری به چشم می‌خورد.

از میان ۳ گروه کودکان خیابانی یعنی کارگران خیابانی، ولگردان و گدایان، ۸۲ درصد پیشینه خلافکاری نداشته‌اند و تنها ۱۸ درصد پیشینه خلافکاری دارند. ۶۲ درصد از این گروه اولگردان تشکیل می‌دهند که از دید آماری تفاوتی

معنادار با احتمال ۹۵ درصد میان گروه ولگردان و دو گروه دیگر از جهت شاخص خلافکاری وجود دارد.

در بررسی پیشینه حضور کودکان خیابانی در باندها، ۹۸ درصد عضو باندی نبوده‌اند. از میان ۱۲ درصد کسانی که در باندها پیشینه داشته‌اند ۱۰ درصد کودکان بزهدار و ۲ درصد کودکان ولگرد بوده‌اند که با احتمال ۹۵ درصد میان دو گروه در این شاخص تفاوت معنادار به چشم می‌خورد.

از لحاظ وضع تحصیلی، ۴۱ درصد این کودکان بیسواد، ۳۹ درصد دارای سواد ابتدایی و ۱۲/۷۷ درصد دارای سواد در حد راهنمایی هستند و تفاوتی معنادار میان این سه گروه در شاخص مواد مخدر دیده نمی‌شود.

۳۸ درصد کودکان خیابانی از گروههای مهاجر و ۶۲ درصد بومی تهراند؛ ولی همانگونه که دیده می‌شود ۶۲ درصد از کودکان بزهدار خیابانی، مهاجر و تنها ۳۸ درصد از ایشان بومی‌اند که با احتمال ۹۵ درصد تفاوتی معنادار میان گروه کودکان بزهدار و دیگر گروهها در شاخص مهاجر و بومی بودن به چشم می‌خورد و این نشان‌دهنده وجود بیشترین شمار کودکان خیابانی بزهدار از گروه مهاجران است.

در زمینه شاخص انحراف جنسی، ۹۶ درصد از کودکان خیابانی پیشینه انحراف جنسی نداشته‌اند و تنها ۴ درصد دارای پیشینه انحراف جنسی بوده‌اند. بدین سان تفاوتی معنادار میان این گروهها وجود ندارد.

۸۵ درصد از کودکان خیابانی ایرانی‌اند و ۱۳ درصد ملیت افغانی دارند. از میان کودکان افغانی ۵۷ درصد در شمار کارگران با مشاغل واقعی‌اند.

در بررسی انجام گرفته در زمینه خانوار، ۱۷ درصد از کودکان خیابانی در خانواده‌های ۵ نفره، ۱۵ درصد در خانواده‌های ۷ نفره، ۱۳ درصد در خانواده‌های ۶ نفره، ۱۱ درصد در خانواده‌های ۴ نفره، ۱۰ درصد در خانواده‌های ۸ نفره و ۱۰ درصد در خانواده‌های بیشتر از ۸ نفره و تنها ۲ درصد در خانواده‌های ۲ نفر زندگی می‌کنند که تفاوت معناداری میان ایشان به چشم نمی‌خورد. در آزمون  $X^2$  بعد خانوار به گونه‌ای معنادار در بروز پدیده کودک خیابانی مؤثر بوده است. برپایه بررسی‌ها ۲۶ درصد از کودکان خیابان پیشینه مصرف سیگار و ۱۲ درصد

**توزیع کودکان خیابانی بر حسب مهاجرت**

جمع		بزهکاران		گدایان		ولگردان		کارگران خیابانی با مشاغل واقعی		کارگران خیابانی با مشاغل کاذب		نوع فراوانی
O/OF	F	O/OF	F	O/OF	F	O/OF	F	O/OF	F	O/OF	F	
۳۸	۱۹۴	۶۲	۶۲	۳۵	۳۵	۲۰	۲۰	۴۵	۴۵	۳۲	۳۲	مهاجر
۶۲	۳۰۶	۳۸	۳۸	۶۵	۶۵	۸۰	۸۰	۵۵	۵۵	۶۸	۶۸	بومی
۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

**نتایج بررسی در زمینه سن ترک خانه:**

سن	F	O/OF
زیر ۹ سال	۲۵	۵
۹-۱۱	۱۴۰	۲۸
۱۱-۱۳	۱۴۰	۲۸
۱۳-۱۵	۷۵	۲۸
۱۵-۱۷	۸۵	۱۸
۱۷-۱۹	۴۰	۸
جمع	۵۰۰	۱۰۰

**عوامل مؤثر در بروز پدیده کودک خیابانی**

عوامل اقتصادی	اشتغال (واقعی)		اشتغال (کاذب)		ولگردی		گدایی		بزهکاری		جمع	
	O/OF	F	O/OF	F	O/OF	F	O/OF	F	O/OF	F	O/OF	F
عوامل اقتصادی	۸۰	۸۰	۸۴	۸۴	۶۰	۶۰	۹۲	۹۲	۸۴	۸۴	۴۰۰	۸۰
ناسازگاری با پدر و مادر	۲۰	۲۰	۳۲	۳۲	۷۲	۷۲	۵۳	۵۳	۷۹	۷۹	۲۵۹	۵۱
بدرفتاری پدر	۴۵	۴۵	۴۲	۴۲	۵۹	۵۹	۴۸	۴۸	۶۸	۶۸	۲۶۲	۵۲
بدرفتاری مادر	۲۵	۲۵	۳۴	۳۴	۳۸	۳۸	۴۲	۴۲	۴۸	۴۸	۱۸۷	۳۷
اخراج از سوی مادر	۵	۵	۳	۳	۴	۴	۶	۶	۹	۹	۲۵	۵
اخراج از سوی پدر	۶	۶	۷	۷	۹	۹	۵	۵	۱۲	۱۲	۳۹	۷
بدرفتاری نامادری	۶	۶	۴	۴	۷	۷	۳	۳	۹	۹	۲۹	۵
بدرفتاری ناپدری	۸	۸	۶	۶	۴	۴	۵	۵	۷	۷	۳۰	۶
دزدی از خانه	۵	۵	۴	۴	۱۲	۱۲	۶	۶	۲۲	۲۲	۴۹	۱۰
دزدی از محل کار	۲	۲	۶	۶	۱	۱	۷	۷	۱۴	۱۴	۳۰	۶
فرار از مدرسه	۱۰	۱۰	۱۳	۱۳	۱۸	۱۸	۹	۹	۲۰	۲۰	۷۰	۱۴
فرار از تنبیه	۱۵	۱۵	۱۲	۱۲	۲۴	۲۴	۲۸	۲۸	۳۲	۳۲	۱۱۱	۲۲
جاذبه‌های شهری	۱۵	۱۵	۲۳	۲۳	۳۵	۳۵	۲۱	۲۱	۳۷	۳۷	۱۳۱	۲۶
جدایی پدر و مادر	۸	۸	۱۲	۱۲	۲۰	۲۰	۱۸	۱۸	۲۷	۲۷	۸۵	۱۷
اعتیاد پدر و مادر	۸	۸	۶	۶	۷	۷	۶	۶	۴	۴	۳۱	۶
بیماری روانی پدر و مادر	۳	۳	۲	۲	۳	۳	۴	۴	۲	۲	۱۴	۳
مرگ پدر	۱۰	۱۰	۱۲	۱۲	۶	۶	۹	۹	۹	۹	۴۶	۹

پیشینه مصرف مواد مخدر داشته‌اند.

بدین‌سان مهمترین عوامل در بروز پدیده کودک خیابانی عبارت است از: عوامل اقتصادی، بد رفتاری پدر، ناسازگاری با پدر و مادر، اعتیاد پدر و مادر، بد رفتاری مادر، جاذبه‌های شهری، فرار از تنبیه، جدایی پدر و مادر و فرار از مدرسه.

۱۵ درصد از کودکان خیابانی از سوی پدر و مادر آزار دیده‌اند: ۸ درصد آزار روانی، ۲۱ درصد آزار جنسی، ۶۳ درصد آزار جسمی و ۴ درصد آمیزه‌ای از آزارهای یادشده. در بررسی‌ها، تفاوتی معنادار میان این گروه‌ها دیده نمی‌شود.

### نتیجه‌گیری

پدیده کودک خیابانی معلولی است از عوامل گوناگون، و شیوه برخورد با این پدیده و یافتن راهکارهای مؤثر نیازمند شناخت علتهاست. از بررسی‌های انجام گرفته در این زمینه روشن شده است که بیشتر کودکان خیابانی با خانواده‌های خود ارتباط دارند و برای گذران زندگی خود و خانواده کار می‌کنند و فقر اقتصادی از عوامل اصلی این پدیده است. ۷۳ درصد از این کودکان مهارت‌های کاذب و ۲۷ درصد مهارت‌های واقعی کاری دارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت از عوامل اثرگذار در بروز این پدیده است. بزرگترین مشکل خانواده‌های این کودکان فقر اقتصادی بوده و گرایش خانواده به ارتکاب به جرایم، ارتباطی معنادار با بروز و گسترش این پدیده ندارد. همچنین گرایش به بزهکاری و رفتارهای بزهکارانه به گونه حاد و برجسته در این کودکان دیده نمی‌شود. بعد خانوار به گونه‌ای معنادار در بروز پدیده کودک خیابانی مؤثر است و بسیاری از کودکان خیابانی در خانواده‌های پر جمعیت زندگی می‌کنند. ۷۱ درصد از آنان ۹ تا ۱۵ ساله‌اند. در این سنین مهمترین دگرگونی‌های عاطفی، شناختی و اجتماعی در فرد رخ می‌دهد و شوربختانه این کودکان که سرمایه‌های ملی و ارزشمند جامعه‌اند، به گزرفتاری و تباهی کشانده می‌شوند.

نابسامانی‌های خانوادگی مانند جدایی پدر و مادر، اعتیاد آنان، و وجود ناپدری و نامادری در خانواده از عوامل مؤثر در بروز این پدیده است. چگونگی رفتار پدر و مادر در خانواده و شیوه‌های تربیتی آنان نیز در بروز این پدیده مؤثر بوده و ناسازگاری با پدر و مادر از پیامدهای آن است. بد رفتاری پدر و بد رفتاری مادر و تنبیه شدن نیز می‌تواند اثری چشمگیر در بروز این پدیده داشته باشد به گونه‌ای که کودکان زندگی در خیابان را به زندگی در خانه و در میان خانواده ترجیح دهند.

در مورد کودکان خیابانی بزهکار که بعد آسیب در ایشان سخت رخ نموده است می‌توان تفاوت‌هایی معنادار با ۴ گروه دیگر دید که نشانگر وجود آسیب‌های حاد خانوادگی و مشکلات سنگین روانی-اجتماعی در میان این گروه است؛ عواملی که سرانجام آنان را به سوی بزهکاری، عضویت در باندها و اعتیاد می‌راند.

بی‌گمان خانواده این گونه کودکان باید از مددکاری اجتماعی مؤثر بهره‌مند شوند و مورد حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرند؛ از سوی دیگر، باید زمینه‌های آموزش و پرورش این کودکان و همچنین زمینه بازگشت کودکان مهاجر جویای کار از تهران به شهر خودشان فراهم شود؛ باید برای پیشگیری از اعتیاد تلاش‌های کارساز صورت پذیرد؛ چون یکی از دلایل عمده بروز این پدیده، ناسازگاری کودکان با پدر و مادر است، باید راهکارهای تربیتی مؤثر و مناسب برای ایشان اندیشیده شود. همچنین لازم است زمینه‌های حقوقی برای پشتیبانی از این کودکان و بویژه آن دسته که مورد کودک آزاری قرار گرفته‌اند فراهم گردد.

به امید روزی که همه کودکان و نوجوانان از حقوق اساسی خود در زمینه‌های بهداشتی، خوراکی، آموزشی، خانوادگی، عاطفی و... برخوردار باشند.

### یادداشت:

۱. کودکان خیابان را از نظر وضع سکونت به کارتن خوابها، اتوبوس خوابها و قطار خوابها و هتل خوابها (این گروه‌ها یا در خانه‌های مجردی، یا در ساختمانهای فرسوده زندگی می‌کنند) تقسیم می‌کنند.

(فهرست منابع فارسی و لاتین در دفتر ماهنامه موجود است)